

میرچا الیادہ

اسطورہ روبا، راز

ترجمہ مہدیہ چراغیان



بنگاہ ترجمہ و نشر
کتاب پارسہ

سرشناسه: میرچا الیاده
 عنوان و نام پدیدآور: اسطوره، رویا، راز / میرچا الیاده / ترجمه مهدیه چراغیان
 مشخصات نشر: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۲۷۹-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 یادداشت: عنوان اصلی: myths, Dreams, mystries
 موضوع: اسطوره/ خواب دیدن/ رمز و راز
 شناسه افزوده: چراغیان، مهدیه، ۱۳۵۳، مترجم
 رده‌بندی کنگره: ۵ ۱۳۹۶ الف/ ۳۱۱ BL
 رده‌بند- دیویی: ۲۹۱/۱۳
 بارهٔ کتبخانی: ۴۷۲۲۲۵۸



■ اسطوره، رویا، راز

میرچا الیاده	ترجمه مهدیه چراغیان
ویرایش:	مینا غرویان
آماده‌سازی و تولید:	بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی	چاپ و افای: آرمانسا
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۷، ۶۵۰ نسخه	قیمت: ۱۰،۰۰۰ تومان

همهٔ حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازهٔ کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقهٔ دوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabehparseh

فهرست

- پیش‌گفتار ترجمه انگلیسی ۱۱
- پیش‌گفتار نسخه اصلی ۱۹
- فصل یکم: باورهای معاصر، اساطیر دنیای مدرن ۲۹
- فصل دوم: اسطوره وحشی اصیل یا اعتبار سرآغاز ۴۹
- یک جزیره بسیار زیبا ۴۹
- دل‌نگرانی‌های آدم‌خواران ۵۵
- وحشی نیک، یوگی، و روان‌کاو ۶۰
- فصل سوم: واقعیت‌های کهن: نوستالژی بهشت در روایات مردمان ابتدایی ۷۱
- فصل چهارم: تجربه حسی و تجربه عرفانی در میان انسان‌های ابتدایی ۸۷
- ملاحظات مقدماتی ۸۷
- بیماری و تشرف ۸۹

۹۳	ریخت‌شناسی برگزیدگی
۹۶	اشراق و بینش باطنی
۱۰۱	تغییر در سازمان تجربه حسی
۱۰۳	ادراک فراحسی و قدرت‌های فراهنجار
۱۱۰	«گرمای جادویی» و «چیرگی بر آتش»
۱۱۳	حواس، خلصه، و بهشت
۱۱۹	فصل پنجم: نمادپردازی صعود و «رویاهای بیداری»
۱۱۹	پرواز حسی
۱۳۲	هفت گام بودا
۱۳۹	دوروهنگار «رویای بیداری»
۱۴۷	فصل ششم: قدرت و تقدس در تاریخ ادیان
۱۴۷	تجلیات مقدس
۱۵۱	مانا و کراتوفانی (تجلی خالق)
۱۵۳	«شخصی» و «غیر شخصی»
۱۵۷	گوناگونی در تجربیات دینی
۱۶۱	سرنوشت هستی متعال
۱۶۵	«ایزدان مقتدر»
۱۷۱	قدرت در ادیان هندی
۱۷۴	«حرارت جادویی»
۱۷۸	«قدرت‌ها» و «تاریخ»
۱۸۵	فصل هفتم: مادر زمین و پیوندهای مقدس کیهانی
۱۸۸	زمین زاینده
۱۹۳	خاطرات و حسرت‌ها
۱۹۴	مادر زمین
۱۹۷	زایش بر روی زمین: گذاشتن نوزاد بر روی زمین
۲۰۱	زهدان زیرزمینی، رویان‌ها
۲۰۳	هزارتوها

۲۰۵	پیوندهای مقدس کیهانی
۲۰۷	دوجنسی و تمامیت
۲۰۹	یک فرضیه تاریخی - فرهنگی
۲۱۲	وضعیت آغازین
۲۱۳	ایزاناگی و ایزانامی
۲۱۶	جنسیت، مرگ، آفرینش
۲۱۸	آفرینش و قربانی
۲۲۰	آیین دای زمین - مادر
۲۲۲	زبانی های انسانی
۲۲۷	فصل هشتم: ارا نوزا، معنوی
۲۲۷	اسطوره های سی و چهار زایی استرالیایی
۲۳۰	تشریف کاراداری ها
۲۳۳	راز و تشریف
۲۳۹	«انجمن های مردان» و «انجمن های زنان»
۲۴۷	اهمیت رازآموزی رنج
۲۴۹	«راز و رمزهای زنان»
۲۵۵	انجمن های سزای زنان
۲۶۰	در کام هیولا رفتن
۲۶۶	نمادپردازی مرگ تشریفی
۲۷۳	فصل نهم: رویارویی: مورد نمونه نمادپردازی دینی و اضطراب انسان مدرن
۲۸۹	پیوست
۲۹۱	نمایه

پیش‌گفتار ترجمه انگلیسی

اینک پس از گذشت سه سال، بر آنم تا با بازخوانی برخی از فصل‌ها [ی این کتاب] و افزودن دیباچه‌ای آن‌ها را به‌مانند کارآمدتری معرفی نمایم. مقدمه نسخه فرانسه این اثر توجه چندانی به پیوندهای موجود بین موضوعات اصلی کتاب نداشته است. در نگارش این کتاب، تنها درباره تفاوت‌های ساختاری بین اساطیر و روایا، و سپس قیاس دیدگاه‌های خاص تاریخ نگاران ادبی و روان‌شناسان ژرفنایی بحث کرده‌ام. از آنجایی که این پرسش‌ها بسیار حائز اهمیت است، و که بیش تقریباً در هر فصلی خودنمایی می‌کنند، ساماندهی آن‌ها الزاماً باید در همین ابتدای کتاب صورت پذیرد. ولی از سوی دیگر، پیش‌گفتار نسخه فرانسه شاید نتواند مفهوم اصلی را برساند؛ شاید چنین پنداشته شود که تقابل بین دو جهان اسطوره و روایا هدف اصلی این تحقیق است، در حالی که این مهم تنها جنبه‌ای از این داستان است. در حقیقت، موضوع بنیادی این اثر تلاقی و رویارویی دو نوع ذهنیت است که برای سادگی آن‌ها راستی و مدرن می‌نامیم، که نخستین ذهنیت ویژگی بشر جوامع کهن و شرقی است، و دومی خاص بشر جوامع مدرن از نوع غربی.

همان طور که می‌دانیم، مواجهه و تقابل این دو تمدن در شمار مهم‌ترین رویدادهای بیست و پنج سال یک سده محسوب می‌شود. این تقابل در دو سطح مشخص گسترش، و در نتیجه در شرایطی متفاوت توسعه یافته است. از سویی می‌دانیم، اکنون اقوام «عجیب و غریب» و «ابتدایی» در مدار تاریخ واقع شده‌اند؛ از این رو، اگر یک غربی بخواهد و بتواند با آنان ارتباط برقرار نماید، باید درباره نظام‌های ارزشی آنان تأمل کند از سوی دیگر، چشم‌انداز فرهنگی اروپاییان بسیار تغییر کرده است، تغییراتی که پس از ورود افراد غیر اروپایی به تاریخ روی داده، و به تعبیری راه را برای چنین رویدادهای جدیدی گشود و دست کم اقوام غربی را برای مواجهه و درک آن آماده ساخته است. در واقع، بدایش علوم دینی تطبیقی، قوم‌شناسی و شرق‌شناسی علاوه بر گسترش روان‌شناسی ژرفایی و بررسی نظام‌مند نمادها، به میزان قابل ملاحظه‌ای به غرب کمک نمود تا به عرصه معنوی اقوام «عجیب» و «ابتدایی» گذارد. در چندین مورد، بر اهمیت فرهنگی و دین‌نظهور آسیا به تاریخ تأکید داشته‌ام، و هم‌چنین حضور کشورهایی که بر ساختار اقوام مختلف که تا چند سال گذشته متعلق به دنیایی ابتدایی بوده‌اند، از چند سال پیش به این طرف، دیگر غرب تنها «سازنده تاریخ» نبوده است. این بدان معناست که «فرهنگ غرب گفت‌وگو با دیگر فرهنگ‌ها را نادیده انگارد، یا خوار شمرد و در معرض سقوط به یک محیط بسته سترون و بی‌حاصل قرار می‌گیرد. هرمنوتیک^۱ هیچ‌گاه غربی — و تنها پاسخ هوشمندانه ممکن — به درخواست‌های تاریخ معاصر و این حقیقت است که غرب ناگزیر است (هم‌چنین می‌توان گفت محکوم است) که به این تقابل روی آورد و با ارزش‌های فرهنگی «دیگران»^۲ تن در دهد.

-
۱. هرمنوتیک (یا علم تأویل) ازواژه یونانی hermeneuein به معنی تعبیر است. فیلسوف ایتالیایی ویکو در پژوهش‌های تاریخ خویش به ویژه در علم جدید (۱۷۲۵) ایسن روش را برای فهم اندیشه‌ها، اساطیر، و نهادهای تاریخی به کاربرد. — م.
 ۲. منظور از «دیگران» ساکنان قبایل دورافتاده در اقیانوس اطلس، آرام و بومیان آسیا و آمریکا بوده‌اند که درواقع فرهنگ‌شان مبتنی بر اسطوره بوده است. — م.

خوشبختانه، همان‌طور که پیشتر گفتم، جنبش‌های فرهنگی خاص این قرن — اشاعهٔ مجدد دین، روان‌شناسی ژرفنایی، کشفیات سوررئالیسم و نقاشی پیشرفته، پژوهش‌های قوم‌شناسی، و غیره — انسان را آماده کرده‌اند، و در کل، درک نگرش‌های روان‌شناختی را در که در ظاهر «پست»، «غریب» یا آزاردهنده هستند برای ما آسان‌تر ساخته‌اند. این درست است که در بیشتر مواقع، رویارویی‌ها و قیاس‌ها با فرهنگ‌های غیر غربی تمامی «غرابت و شگرفی» این گونه فرهنگ‌ها را آشکارا نمی‌سازند، ولی حقیقت این است که تقابل‌ها از خلال معرف‌های غربی شده‌تر این فرهنگ‌ها، یا در گستره‌های مشهود اقتصادی یا سیاسی رخ داده‌اند. شاید بتوان گفت که دنیای غربی هنوز، یا به‌طور کل، با نمونه‌های موثق و اصیل سنت‌های غیر غربی «روایی» مواجهه نداشته است. هرچند در پایان، این تقابل اجتناب‌ناپذیر است. حتی با آن فرض که به‌زودی روزی، تمامی جوامع روایی که هم‌اینک نقش فعالی در تاریخ ما می‌کنند، با رویکرد غربی‌شدن عقیم گردند — یعنی این فرض که مقدر است اقدام غیر غربی به‌تدریج جایگاه خویش را در تاریخ از دست بدهند مگر اینکه غربی شوند — حتی در آن صورت هم از این رویارویی و قیاس با سنت‌های اصیل دنیای غیر غربی نمی‌توان اجتناب کرد. نمی‌توان گفت در آینده چه بخش‌هایی از فرهنگ این اقوام عجیب همانند فرهنگ غرب خواهد بود، ولی محتوم است که مثلاً همین دیروز تفاوتی بنیادین نوع غربی داشته است، و زود یا دیر، مجبور خواهیم بود از تاریخ این مردم، و در نتیجه از آفرینش‌های فرهنگی آنان آگاه شویم، چیزی که نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کرد. در صورت، برخورد درست و رویارویی راستین به‌وقوع خواهد پیوست. روشن‌تر باید شرایط وجودی و عوالم فرهنگی اقوام غیر غربی را بشناسد و درک کند؛ علاوه بر این، غرب باید از آنان در حکم عناصر مکمل تاریخ معنوی بشر یاد کند — آن‌ها را رویدادهایی ناپخته یا نابهنجار در تاریخ نمونهٔ بشر قلمداد نکند — تاریخ که، البته نقطهٔ آن در ادراک انسان غربی بارور می‌شود.

از این گذشته، این رویارویی با «دیگران» به انسان غربی کمک می‌کند درک

بهتری از خود داشته باشد. تلاشی که در راستای شناخت روش‌های تفکر بیگانه برای سنت خردگرایان غربی شاخ و برگ می‌یابد، تلاشی که عمدتاً، در جهت رمزگشایی معنای اسطوره و نمادهاست و با اغنای کلان خودآگاهی سیراب می‌شود. حقیقت این است که فرهنگ اروپای مدرن روش‌های چندی برای کشف دنیای نمادها و اسطوره‌ها دارد. کافی است پژوهش‌های بالینی و فرضیه‌های کاربردی بسط داده شد. روان‌کاوی را یادآوری کنیم، و از دیدگاهی خاص، می‌توان گفت که فروید نخستین کسی بود که این جهان‌های «بیگانه»، و ناخودآگاه را که بروز دهنده این نماده و امور با هستند، به صورتی سامانمند تحلیل و تفسیر کرد.

ولی کاروان انسان ژرفنایی، هرچند قابل ملاحظه است، خللی در فرصت‌های روان‌شناسی با «گانگان» ایجاد نمی‌کند. روان‌شناسان خود را وقف مطالعه ساختار نمادهای پویای اسطوره‌ها کرده‌اند تا به پویایی ناخودآگاه دست یابند، ولی تقابل با فرهنگ‌های غیراروپایی که تحت تأثیر نمادها هستند و از اسطوره‌ها جان می‌گیرند، در سطح دیگری می‌دهد: مسئله دیگر «تحلیل» این فرهنگ‌ها آن‌طور که رویاهای فردی تحلیل می‌شد تا آن‌ها را به نشانگان معنی‌دار مشخصی در اعماق روان شخص کاهش دهد، نیست. این جا صحبت از موضوع مهم آفرینش‌های فرهنگی اقوام غیراروپایی در خودشان است؛ یعنی بروز نبوغ خاص، و تلاش برای درک آن‌ها با همان شور و اشتیاقی که برای درک یک انسان هومری، یا پیامبران بنی اسرائیل، یا فلسفه صوفیان ما، تراکهارت^۱

۱. Meister Eckhardt (۱۲۶۰-۱۳۲۷ میلادی)، دین‌شناس، فیلسوف، عارف، شاعر و خطیب آلمانی‌تبار بود. او در نزدیکی شهر گوتا در کشور آلمان زاده شد. گفته‌اند که مایستر اکهارت در زبان آلمانی همان تأثیری را داشته که دانته در زبان ایتالیایی داشته، چنان که باعث شکوفایی آن زبان گشته است. اکهارت در صومعه‌ای متعلق به فرقه دومینیکن آموزش‌های مقدّماتی را طی کرد و سپس در شهرهای مختلف به کسب علم و دانش پرداخت. مایستر اکهارت هم‌چنین الهیات مسیحی را در شهرهای مختلف آلمان تعلیم می‌داد. در همین مدت، کلیسا او را به کفر و زندقه محکوم کرد و مایستر اکهارت نیز رساله‌ای در دفاع از خویش نگاشت. مکان دفن او نامشخص است. — م.

به کار می‌بریم. به عبارتی دیگر، ما باید با همان احترام و اشتیاقی که وقف یادگیری آفرینش‌های فرهنگی غربی کرده‌ایم، به نمادها، اسطوره‌ها و شعائر دینی مردمان اقیانوسیه و آفریقا نزدیک شویم — حتی اگر آن شعائر و اسطوره‌ها «غریب»، «ترسناک» و «ناپه‌نجار» باشند. ولی اکنون، این تنها وظیفه یک روان‌شناس نیست که این موارد را تفسیر کند و نشان دهد که چنین جنبه‌های تاریکی جزء تفکیک‌ناپذیر نمایش‌های پر مغزی هستند که در ناخودآگاه اجرا می‌شوند: در این هنگام، نمادهای اسطوره‌ها و شعائر باید در حکم ارزش‌های فرهنگی سنجیده شوند — در تحلیل‌هایی، بسان نمودهای انحصاری از وضعیت‌های وجودی اقوامی گرفته شوند که به گونه‌های مختلف جامعه تعلق دارند، و بیش از آن‌هایی که تاریخ جهان غرب را شکل داده‌اند. ماستی از جبرهای تاریخی، و جدا از نمونه‌هایی هستند که تاریخ دنیای غرب را تدوین نموده‌اند.

همان‌طور که اذعان داشتیم، این تلاش، به‌درستی در راستای درک مردمی است که مشخصاً «دیگری» بوده، غیر از ما و وارثان یونان و یهودی-مسیحی هستند و بهتر از ما خودآگاه غربی را نمی‌نموده‌اند. چنین برخوردهایی حتی ممکن است به تجدید چیستایی فلسفه، انجام دهد، درست همانند کشف هنرهای غریب و ابتدایی نیم قرن گذشته که پنجره‌های تازه‌ای به دنیای هنری اروپا گشود. به‌عنوان نمونه، به‌نظر من مطالعه دقیق‌تر ماهیت و کارکرد نمادها می‌تواند تفکر فلسفی غرب را برانگیزد و افق‌های آن را گسترش بخشد. از آن-سایه من در وهله اول مورخ ادیان هستم، در این کتاب چشم‌اندازهایی را در این رشته ارائه داده‌ام که هرمنوتیک به آن نایل شده است. ولی این بدان معنا نیست که تحلیل ارزیابی نمادها یا اساطیر حق قانونی تاریخ‌نگار ادیان است. در هر صورت، این مهم به گسترش دانش بشری می‌انجامد که مورد توجه تمامی رشته‌های نظری است. از این گذشته در همین ارتباط به کشف منابع تازه الهام برای تأملات فلسفی نیز می‌پردازد. سی سال پیش چه کسی تصور می‌کرد که فلسفه پیش سقراطی بتواند

پژوهشی فلسفی را جانی نو ببخشد؟ در حالی که جدیدترین تحقیق‌های هایدگر^۱ در این راستاست.

در هر صورت، واکنش‌های فیلسوفان غربی در مواجهه با روش‌های تفکر باستانی و شرقی مربوط به آینده است و ماحقی برای پیش‌بینی آن‌ها نداریم. هرچند، این حقیقت مهمی است که تفسیرهای جدید سبب می‌شود تا مورخان ادیان به مفاهیم «ابتدایی» و متاخرانه شرقی پیرامون ساختار هستی‌شناسی بشری، فنای وی، و ضرورت شناخت «مرگ» پیش از رسیدن به عالم روح اهمیت دهند. این موارد که در قالب تقریب عقاید شناسایی می‌شوند، امروزه در تئوریه‌های فلسفی غربی جای گرفته است. زمانی که در بطن ایدئولوژی‌های مذهبی باستانی و شرقی، مفاهیم قابل قیاس با فلسفه کلاسیک غرب حضوری جدید می‌یابد، آن‌گاه اهمیت این قیاس برجسته می‌گردد، زیرا این مفاهیم پیش‌انگاره‌های مشابه «ارث» عنوان نمونه، تفکر هندی، و همچنین اسطوره‌های «ابتدایی» بر این باورند که جریان رنویست‌سازی که آغازگر شرایط کنونی بشر است، در گذشته‌های لاهوتی روم باستان، و بنابراین ذات بر شرایط واقعی بشری مقدم است (فصل دوم)، این نکته برای فیلسوف یا دین‌شناس غربی بسیار جالب توجه است که آنان چگونه و به چه دلیل به این مفهوم دست یافته‌اند.

ولی باورهای دنیای مرگ و رستاخیز پیش از هر چیز دیگری مورد توجه بشر مدرن غربی است. در واقع، این توجه برای به دست گرفتن این عقاید نیست، بلکه به منظور تأمل و سعی در تفسیر آن‌هاست. این مفاهیم با رگ ارتباط انسانی است که دنیای غرب مدت‌ها پیش پشت سر گذاشته، و بنابراین برای بشر مدرن غربی بلا استفاده است. از سوی دیگر، محتوای نستوه و تفسیر هرمنوتیک آن می‌تواند برانگیزاننده تفکر فلسفی باشد. به عنوان نمونه، ما نمی‌توانیم این حقیقت را که فرهنگ‌های باستانی و شرقی در اعطای ارزش‌های مثبت به خشم، مرگ،

۱. Martin Heidegger، فیلسوف آلمانی، از تأثیرگذارترین متفکران اگزیستانسیالیست در قرن

بیستم است. کتاب بنیادی هایدگر، هستی و زمان، در ۱۹۲۷ نوشته شد و مسئله محورین آن

پرسش از معنای هستی است. م.م.

خود کم بینی، و هرج و مرج موفق بوده اند، ناچیز بینگاریم (به فصل های هفت، نه، و .. مراجعه شود). در یک دوره بحرانی مانند آنچه امروز سپری می کنیم، شناخت اینکه چگونه و با چه پیش انگاره هایی این فرهنگ ها از ابتدایی ها تا هندویان ارزش هایی را برای شرایطی قائل شده اند — چیزی که برای بشر مدرن فقط دهشتناک، بیهوده و اهریمنی است — نه تنها سودمند بلکه ضروری است.

اگر کشف ناخود آگاه، انسان غربی را وادارد تا با تاریخ فردی، سرّی و مستتر خویش روبرو شود، تقابل با فرهنگ های غیر غربی او را ملزم می سازد تا کندوکاوی ژرف رون تاریخ روح بشر داشته باشد، و شاید وی را ترغیب سازد آن تاریخ را بخشی جدایی پذیر از هستی خود بداند. با عطف به دیدگاه نویسنده این کتاب، تاریخ ادیان این استحقاق را دارد که در این سفرهای دور و دراز رهنمون ما گردد، و ترجمان برخوردهای ما در برخورد با «رنگانه ترین» «دیگران» شود.

اکتبر ۱۹۵۹

دانشگاه شیکاگو